

## مطالعه‌ی تفاوت‌های نوشتاری در آثار نویسندگان معاصر ایرانی با توجه به

### متغیر جنسیت

زینب محمدابراهیمی‌چهرمی\*، طاهره ذاکری\*\*

**چکیده:** در این تحقیق با تکیه بر روی‌کرد تحلیل گفتمان انتقادی (CDA<sup>1</sup>) به تجزیه و تحلیل ده رمان از نویسندگان زن و مرد ایرانی می‌پردازیم. در حوزه‌ی واژگان از جنبه‌ی به‌کارگیری واژگان غیرهسته‌ای و استعاره و در بخش نحو به مقایسه‌ی جمله‌های معلوم در مقابل مجهول، کوتاه در مقابل بلند و نقل قول مستقیم در مقابل غیرمستقیم، به مقایسه‌ای از جنبه‌ی جنسیت نویسندگان پرداخته می‌شود. در این مقایسه آمارها نشان داده‌اند که نویسندگان زن بیشتر از نویسندگان مرد به استفاده از واژگان غیرهسته‌ای و استعاره در بخش واژگان و جمله‌های مجهول، بلند و نقل قول غیرمستقیم در بخش نحو تمایل دارند. بنابراین جنسیت نیز هم‌چون عوامل ایدئولوژیکی در نوع تولید متن نقش دارد.

**واژه‌های کلیدی:** جنسیت، نوشتار زنان، نوشتار مردان، تحلیل گفتمان انتقادی، واژگان، سلطه.

### مقدمه

هر چند در بسیاری از جوامع امروزی زنان و مردان به طور مشترک در بیشتر فعالیت‌های اجتماعی شرکت دارند اما به نظر می‌رسد که در برخی از زمینه‌ها زنان و در برخی دیگر مردان نقش فعال‌تری داشته باشند. همین امر سبب پیدایش تفاوت‌های زبانی میان این دو گروه شده است. حتی در جوامع پیشرفته و صنعتی به علت بی‌ثبات بودن نقش اجتماعی زنان نسبت به مردان، واژه‌ها و اصطلاحاتی که تردید و تزلزل را می‌رساند؛ نزد زنان کاربرد بیشتری دارد. زنان، به دلیل همین عدم استحکام در پایگاه اجتماعی، سعی بسیاری در به‌کارگیری واژه‌هایی دارند که مقبول‌تر و معتبرتر به نظر بیاید. حال این

z.mebrahimi@yahoo.com

tahere.zakery@gmail.com

<sup>1</sup>. Critical Discourse Analysis

\* استادیار دانشگاه شهیدبهشتی

\*\* دانشجوی دکتری دانشگاه پیام‌نور

۲۴ زن در فرهنگ و هنر (پژوهش زنان)، دوره ۱، شماره ۳، بهار ۱۳۸۹

سؤال پیش می‌آید که آیا نویسندگان زن و مرد به دلیل داشتن پایگاه‌های اجتماعی متفاوت، نوع ادبی و نوشتاری متفاوتی نیز دارند؟ به عبارت خاص‌تری:

۱- آیا تفاوت‌های واژگانی بر اساس دیدگاه تحلیل گفتمان انتقادی، در نوشتار نویسندگان مورد مطالعه‌ی معاصر مرد و زن وجود دارد؟

۲- آیا تفاوت‌های نحوی در نوشتار نویسندگان مورد مطالعه‌ی معاصر مرد و زن در ایران دیده می‌شوند؟

فرضیه‌هایی برای سؤالات زیر مطرح‌اند که عبارتند از:

۱ - در نوشتار نویسندگان زن و مرد معاصر در ایران، در کتاب‌های مورد مطالعه، به لحاظ واژگان بر اساس دیدگاه گفتمان انتقادی، تفاوت‌های قابل ملاحظه‌ای وجود دارد.

۲ - در نوشتار نویسندگان زن و مرد معاصر در ایران، در کتاب‌های مورد مطالعه از نظر نحوی نیز تفاوت‌هایی دیده می‌شوند.

برای آزمون فرضیه‌ها و یافتن پاسخ، تحقیق حاضر با تکیه بر اصول و مبانی نظریه‌های زبان‌شناسان تحلیل گفتمان انتقادی سعی دارد در پنج کتاب از رمان‌های جدید از نویسندگان زن که عبارتند از: *آن سوی خیال* از (اسدی، زهرا)، *عادت می‌کنیم* از (پیرزاد، زویا)، *دختری در مه* از (حمزه‌لو، تکین) *برزخ اما بهشت* از (صفوی، نازی) و *پرنده‌ی من* از (وفی، فریبا) و پنج رمان از نویسندگان مرد به نام‌های: *کفش‌های غمگین عشق* (اعتمادی، ر)، *خیالات* (کربلایی‌لو، مرتضی)، *باغ مارشال* (کریم‌پور، حسن)، *قصه‌ی تهمینه* (محمدعلی، محمد) و *یلدا* (مؤدب‌پور، م) به مقایسه‌ی این آثار بر اساس متغییر جنسیت دست‌زند و تفاوت‌های نوشتاری را در حوزه‌ی واژگان و ساخت‌های نحوی مورد تجزیه و تحلیل قرار دهد.

روی‌کرد تحلیل گفتمان انتقادی ریشه در آراء میشل فوکو<sup>۲</sup> فیلسوف فرانسوی دارد. بر اساس این روی‌کرد انتقادی عواملی چون بافت تاریخی، روابط قدرت، هژمونی، جنسیت، نهادها و فرآیندهای اجتماعی و فرهنگی و ایدئولوژیکی، متن و یا صورت زبان و معانی را به وجود می‌آورد. از نظر فرکلاف<sup>۳</sup> (۱۹۸۵، ۳۸) یکی از نظریه‌پردازان این روی‌کرد گفتمان چیزی بیشتر از کاربرد زبان است، از منظر او کاربرد زبان خواه به شکل گفتاری خواه به شکل نوشتاری به عنوان یک نوع عمل اجتماعی تلقی می‌گردد. تحقیق حاضر، پس از مرور انتقادی کوتاه بر روی‌کردهای غیرانتقادی بر طبق نظریات فوکو، فرکلاف و

2. Foucault

3. Fairclough

مطالعه تفاوت‌های نوشتاری در آثار نویسندگان معاصر ایرانی با توجه به متغیر جنسیت ۲۵

یارمحمدی در بخش واژگان به تجزیه و تحلیل داده‌های تحقیق یعنی ده کتاب یاد شده از ده نویسنده زن و مرد معاصر ایرانی می‌پردازد. نتایج حاصل نشان می‌دهد که نویسندگان زن بیشتر از نویسندگان مرد به استفاده از واژگان غیرهسته‌ای و استعاره و جمله‌های مجهول، بلند، نقل‌قول غیرمستقیم در مقابل جمله‌های معلوم کوتاه و نقل‌قول مستقیم تمایل دارند و فرضیه‌های تحقیق تأیید می‌شوند.

### اهداف تحقیق

- ۱ - بررسی و تعیین عناصر و عوامل مؤثر در تولید نوشتار زنان و مردان نویسنده معاصر ایرانی در داستان‌نویسی بر اساس تحلیل گفتمان انتقادی؛
- ۲ - مطالعه‌ی متون ادبی بر اساس دیدگاه تحلیل گفتمان انتقادی؛
- ۳ - توجه خاص به جنسیت نویسندگان.

### روش تحقیق

داده‌ها در این تحقیق بر اساس روش کتاب‌خانه‌ای به صورت زیر تهیه می‌گردند: ابتدا منابع مختلف اعم از کتاب، نشریات علمی، پایان‌نامه‌ها و رساله‌ها پیرامون نظرات صورت‌گرایی، نقش‌گرایی و تحلیل گفتمان انتقادی مطالعه می‌گردد، سپس پاراگراف‌هایی از کتاب‌های مورد مطالعه به طور تصادفی حدود ۱۰ الی ۱۵ پاراگراف از هر کتاب به عنوان پیکره‌ی تحقیق انتخاب می‌شود. سپس بر اساس روش تحلیل محتوا و تجزیه و تحلیل انتقادی گفتمان به مقایسه و تحلیل متون از نظر واژگان و ساخت‌های نحوی پرداخته می‌شود.

### مبانی نظری

آنچه معنا و پیام یک کلام را تعیین می‌کنند مجموع معانی صورت‌های عناصر تشکیل‌دهنده‌ی آن نیست بلکه غیر از معنی عناصر زبانی عوامل غیرزبانی در تعیین معنای کلام نقش بسیار مؤثری دارند و برخی از زبان‌شناسان این تأثیر را آن‌قدر برجسته می‌دانند که معتقدند عوامل غیرزبانی نه تنها معنای کلام بلکه صورت کلام را نیز شکل می‌بخشند. گفتمان عبارت است از تجزیه و تحلیل کلام در کاربرد. پس گفتمان

نمی‌تواند به توصیف صورت‌های زبانی جدای از اهداف و نقش‌هایی که صورت‌ها برای پرداختن به آن‌ها در امور انسانی به‌وجود آمده‌اند، پردازد (براون ویول: ۱۹۹۳). بهرام‌پور (۱۳۷۹، ۳) می‌نویسد که نخستین بار زبان‌شناس معرف انگلیسی زلیک هریس<sup>۴</sup> (۱۹۵۲) اصطلاح تحلیل گفتمان را در مقاله خود به کار برد. وی نگاهی صورت‌گرایانه به جمله و متن ارایه داد. بعد از هریس بسیاری از زبان‌شناسان تحلیل گفتمان را نقطه مقابل متن دانسته‌اند. در تحلیل گفتمان بر خلاف تحلیل‌های سنتی زبان‌شناسانه، دیگر صرفاً با عناصر نحوی و لغوی تشکیل‌دهنده‌ی جمله به عنوان عمده‌ترین مبنای تشریح معنا یعنی زمینه‌ی متن سروکار نداریم. از لحاظ نظری پیشینه‌ی روی‌کرد زبان‌شناسی انتقادی هم به زبان‌شناسی نظام بنیاد هلیدی<sup>۵</sup> و هم به کاربردهای خاص دستور گشتاری از نوع جنبه‌هایی از نظریه نحو و هم به مطالعات برنشتاین<sup>۶</sup> پیرامون کدها و جامعه‌شناسی زبان و نیز کارهای فیلسوف فرانسوی میشل فوکو باز می‌گردد. یکی از تفاوت‌های اساسی بین روی‌کرد تحلیل گفتمان انتقادی با تحلیل گفتمان و صورت‌گرایی این است که تحلیل گفتمان در زبان‌شناسی و مطالعات پدیده‌های زبانی به تعیین شیوه‌های شکل‌گیری اجتماعی گفتمانی و یا تأثیرات اجتماعی آن‌ها توجه نداشته و صرفاً به بررسی توصیفی ساختار و کارکرد اعمال گفتمانی بسنده می‌کند. اما تحلیل انتقادی در بررسی پدیده‌های زبانی و اعمال گفتمانی به فرآیندهای ایدئولوژیک در گفتمان، رابطه‌ی زبان و قدرت، ایدئولوژی، سلطه و قدرت، پیش‌فرض‌های دارای بار ایدئولوژیک در گفتمان، بازتولید اجتماعی، ایدئولوژی زور و نابرابری در گفتمان توجه کرده و عناصر زبانی را به هم‌راه دانش زمینه‌ای کنش‌گران، هدف و موضوع مطالعه خود قرار می‌دهد. صورت‌گرایی روی‌کردی است که به مطالعه دستور می‌پردازد و به صورت‌های زبانی و الگوهای ساخت واژه و جمله تأکید می‌نماید و به تحلیل صورت‌های زبانی بدون در نظر گرفتن معنی آن‌ها مبادرت می‌ورزد. تحلیل گفتمان انتقادی در نظر دارد هر دو روی‌کرد فوق را به عنوان قسمتی از طرح خود برای بازسازی و صورت‌بندی مجدد جریان مسلط زبان‌شناسی محسوب کند. یعنی در نظر دارد نگرش صورت‌گرایی را به مسائل اجتماعی ارتباط دهد. چرا که روی‌کرد تحلیل گفتمان انتقادی یک گستره‌ی وسیع از کاربرد زبان

---

<sup>۴</sup>. Harris

<sup>۵</sup>. Halliday

<sup>۶</sup>. Bernstein

مطالعه تفاوت‌های نوشتاری در آثار نویسندگان معاصر ایرانی با توجه به متغیر جنسیت ۲۷

نسبت به صورت‌گرایی است و به هیچ عنوان خودمحور و مستقل نیست بلکه دارای فرآیند خاص خود می‌باشد یعنی تنها در چارچوب تعریف و سازمان نظری خود می‌گنجد. روی‌کرد تحلیل انتقادی نیز دارای گرایش توصیفی است. تحلیل انتقادی مدعی است گزاره‌های تلویحی طبیعی شده که منشأ ایدئولوژیک دارند در گفتمان فراوان یافت می‌شوند و در تعیین جایگاه مردم به عنوان فاعلان اجتماعی نقش ایفا می‌کنند. این گزاره‌ها نه تنها جنبه‌هایی از معنای اندیشگانی‌اند بلکه متضمن مفروضاتی هم درباره‌ی روابط اجتماعی هستند که شالوده‌ی اعمال تعاملی‌اند. تحقیق حاضر روی‌کرد تحلیل گفتمان انتقادی را به عنوان چارچوب نظری خود برگزیده است و به نظرات میشل فوکو (۱۹۸۱) و فرکلان (۱۹۸۵) استناد خواهد کرد و در بخش واژگان با بهره بردن از نظرات یارمحمدی در خصوص واژگان غیرهسته‌ای و سنت ارسطویی در خصوص استعاره به آزمون فرضیه‌های تحقیق می‌پردازد.

### پیشینه تحقیق

پیرامون روی‌کرد تحلیل گفتمان انتقادی در محافل زبان‌شناسی و فلسفی غرب صاحب‌نظران بسیاری از جمله فرکلان، هاج و کرس<sup>۷</sup>، گلدمن<sup>۸</sup>، گرادل<sup>۹</sup>، فاولر<sup>۱۰</sup>، پنی کوک<sup>۱۱</sup>، لیوون<sup>۱۲</sup>، همرسلی<sup>۱۳</sup>، کاپلند<sup>۱۴</sup> و مالم کی‌یر<sup>۱۵</sup> سخن گفته‌اند که البته ریشه این گونه تفکر و نگرش به زبان و گفتمان به آراء فیلسوفان و اندیشمندان بعد از ساخت‌گرایی هم‌چون میشل فوکو برمی‌گردد<sup>۱۶</sup>.

در ایران می‌توان به آثاری مثل دبیرمقدم (۱۳۷۸)، یارمحمدی (۱۳۸۳) و نیز به پایان‌نامه‌های دمالی‌امیری (۱۳۸۰)، سیده فاطمه علوی (۱۳۸۱) و رساله‌ی دکتری آقاگل‌زاده (۱۳۸۱) اشاره کرد. به‌طور مشخص، در

---

7. Hodge, Kress

8. Goldman

9. Gradol

10. Fowler

11. Penny Cook

12. Leeuwen

13. Hammersly

14. Coupland

15. Malmkyar

۱۶. چون در این مقاله از بسیاری از این آثار مستقیماً استفاده‌ای نشده، تنها به ذکر نام آنان اکتفا شده است. تنها آن دسته از آثاری که در این مقاله مستقیماً از آن‌ها استفاده است در فهرست منابع ذکر شده است.

۲۸ زن در فرهنگ و هنر (پژوهش زنان)، دوره ۱، شماره ۳، بهار ۱۳۸۹

پایان‌نامه‌های مریم جابر (۱۳۸۰)، زهرا فانی (۱۳۸۳) و محمد اصلانی (۱۳۸۳) متغیر جنسیت در نظر گرفته شده است.

**دبیرمقدم** (۱۳۶۹، ۵۲ - ۵۱) در کتاب زبان‌شناسی نظری اشاره می‌کند که در این روی‌کرد افزون بر اطلاعات بافت غیرزبانی اطلاعات سطوح بالاتر، انتزاعی‌تر و عمده‌تر بافت تاریخی و فرهنگی، روابط و ساختار و قدرت و جهان‌بینی در شکل‌دهی زبان دخیل هستند.

**یارمحمدی** (۱۳۸۳، ۱۲۵-۱۱۷) در این باره معتقد است که این نگرش به زبان و گفتمان ریشه در آراء سایپر و ورف دارد و از نظریات آن‌ها سه نتیجه می‌گیرد: ۱ - این که ما اسیر زبان خود هستیم و زبان ما سرنوشت ما را رقم می‌زند؛ ۲ - ترجمه‌ی واقعی از زبانی به زبان دیگر میسر نیست؛ ۳ - از طریق زبان می‌توان به رفتار، فکر و جهان‌بینی افراد و بالتبع رفتار جمعی گروه‌های اجتماعی شکل خاص داد.

**مهدی دمالی‌امیری** (۱۳۸۰) پایان‌نامه‌ی کارشناسی‌ارشد با عنوان «تبلور ایدئولوژی و قدرت در کلام، تحلیلی انتقادی اخبار رسانه‌ای» ضمن معرفی پیشینه و ساختار تحلیل انتقادی و خاستگاه آن به نتایج زیر دست پیدا می‌کند:

۱- هیچ متن خنثی یا بی‌طرفی وجود ندارد متون دارای بار ایدئولوژیکی می‌باشند.

۲- نشانه ماهیتی اجتماعی دارد.

۳- چون نشانه‌ها اجتماعی‌اند هر روی‌کرد به زبان باید برگفتار متمرکز باشد.

**سیده فاطمه علوی** (۱۳۸۱) پایان‌نامه با عنوان «بررسی دیدگاه روایی در سه داستان کوتاه صادق چوبک» تحلیل ایدئولوژیکی دیدگاه نویسنده را در تعامل با خواننده به عنوان هدف نهایی روی‌کرد تحلیل گفتمان انتقادی معرفی نموده است. وی طبق نظر فاولر نتیجه می‌گیرد که از نظر ایدئولوژیکی با توجه به این که راوی داستان موضوع بیرونی و عینی نسبت به شخصیت‌ها و وقایع اتخاذ کرده است، این متون بر اساس برش واقعی از اوضاع اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی زمان نوشته شده‌اند.

**آقاگل‌زاده** (۱۳۸۱، ۴۵) در رساله‌ی خود با عنوان «مقایسه و نقد روی‌کردهای تحلیل کلام و تحلیل کلام انتقادی در تولید و درک متن» چنین می‌نویسد که هر یک از روی‌کردهای تحلیل کلام انتقادی صرفاً گوشه‌ای از واقعیت و ویژگی کلام را توصیف می‌نماید و هیچ یک به تنهایی نمی‌تواند تصویری جامع از ساخت زبان، متن و درک متن را ارائه نماید. وی نتیجه می‌گیرد که ایدئولوژی منبعث از معرفت‌شناسی است و شناخت نیز متکی بر ابزارهای خاص مانند: حس، تجربه، عقل و دل است.

مطالعه تفاوت‌های نوشتاری در آثار نویسندگان معاصر ایرانی با توجه به متغیر جنسیت ۲۹

پایان‌نامه‌ی کارشناسی‌ارشد **مریم جابر** با عنوان «بررسی مبالغه و رابطه‌ی آن با جنسیت در نوشتار فارسی و انگلیسی» به نتایج قابل توجهی اشاره می‌کند. مثلاً در مورد بار معنایی واژگانی که در مورد افراد مذکر و مؤنث به کار می‌روند، می‌گوید که غالباً واژه‌هایی که به جنس مذکر مربوط می‌شوند بار مثبت دارند و مفاهیمی چون قدرت، اعتبار و رهبری را می‌رسانند اما واژگان مربوط به جنس مؤنث دارای بار منفی و مفاهیمی چون ضعف و حقارت‌اند. جابر چارچوب نظری خود را بر اساس نظریه‌ی نقش‌گرایی هلیدی قراردادده است که زبان لزوماً با معنی پیوند دارد و تمام گزینه‌های زبانی دارای معنی خاصی‌اند. از این رو نویسنده با هر تصمیمی که در انتخاب گزینه‌های کلامی می‌گیرد، هم نشان می‌دهد که به چه می‌اندیشد و هم نشان می‌دهد که از چه واژه‌ها و ساختارهای زبانی استفاده می‌کند. بدین ترتیب نمی‌توان محتوای نوشته و نویسنده را از صورت زبانی نوشته آن جدا کرد.

در ادامه به پایان‌نامه‌ی **زهرا فانی** با عنوان «در جستجوی ترجمه‌ی زنانه متون زنان» اشاره می‌کنیم که به بررسی رابطه‌ی بین جنسیت و ترجمه می‌پردازد. وی پس از گردآوری داده‌ها که متنی انگلیسی که شامل ۲۸۰ کلمه است و از زبان یک زن گفته شده است را در اختیار مترجمان با سابقه می‌گذارد و سپس بر اساس جنسیت آن‌ها را مورد تجزیه و تحلیل قرار می‌دهد و در یافته‌های تحقیق خود می‌آورد:

۱- بین نوشتار زنان و مردان تفاوت وجود دارد.

۲- زبان مردان بیشتر مورد استفاده قرار می‌گیرد تا برعکس آن.

۳- یکی از راه‌هایی که موقعیت اجتماعی افراد را نشان می‌دهد نوشتار آن‌ها است.

۴- زنان عموماً از سبک مؤدبانه‌تری استفاده می‌کنند.

۵- هر متنی از یک پیام عقیدتی بهره می‌برد که ما آن را قبول یا رد می‌کنیم.

۶- جنسیت عنصر مهمی در ساخت موقعیت خواننده متن می‌باشد.

در انتها از پایان‌نامه‌ی کارشناسی‌ارشد **محمد اصلانی** نام می‌بریم که به تعامل زبان و جنسیت و جنبه‌های کاربردی آن در ادبیات داستانی معاصر فارسی می‌پردازد و از متغیرهای متعدد زبانی سه متغیر «ایده کلی گفتار»، «دشواری‌های زبانی» و «مؤلفه ادب» برمی‌گزیند. وی از بین داستان‌های معاصر به داستان‌های دهه چهل استناد می‌کند و چهار کتاب *سووشون* اثر دانشور، *ملکوت* اثر بهرام صادقی، *سازده* / *احتجاج* اثر هوشنگ گلشیری و *خواب زمستانی* از گلی ترقی را انتخاب می‌کند.

اصلائی در یکی از فرضیه‌های پژوهش ذکر می‌کند که «در آثار داستانی دهه‌ی چهل ادبیات فارسی جنسیت نویسنده، شبیه جنسیت شخصیت اصلی داستان است» اما در انتها این فرضیه را رد می‌نماید و نتیجه می‌گیرد که هیچ مناسبتی بین جنسیت نویسنده و شخصیت اصلی داستان وجود ندارد. وی این نتیجه را نوعی هنجارشکنی و از جمله راه‌کارهای خلق زیبایی ادبی در این آثار می‌داند و می‌نویسد که در این گونه موارد هر نوع آفرینشی که برخلاف عادات ذهنی مخاطب باشد، نوعی زیبایی‌ساز است. از آنجایی که وی از CDA بهره نبرده است، خلاف عادت را فقط نوعی زیباسازی دانسته و اهداف پنهان را نادیده گرفته است.

در پایان‌نامه‌هایی که نگارندگان در مورد جنسیت و زبان به آن‌ها دسترسی داشتند هیچ کدام به رویکرد تحلیل گفتمان انتقادی اشاره‌ای نداشته‌اند. در واقع یکی از محدودیت‌هایی که پژوهش حاضر با آن روبه‌رو بوده است را می‌توان محدودیت منابع به زبان فارسی برشمرد.

### آزمون فرضیه‌ها

در بحث واژگان به تقسیم‌بندی واژگان هسته‌ای و غیرهسته‌ای به نقل از یارمحمدی استناد می‌نماییم. وی معتقد است اصطلاح واژگان هسته‌ای به آن عناصری از شبکه‌ی واژگانی زبان اطلاق می‌شود که بی‌نشان هستند یعنی این که این کلمات طبیعی‌ترین، بنیادی‌ترین و ساده‌ترین اقلام واژگانی هستند که در گنجینه‌ی زبانی قرار دارند و در زبان فارسی مثال می‌زند که در مجموع کلمات: زشت، اکبیری، قناس، بی‌ریخت، بی‌نمک، هسته‌ای و بقیه غیرهسته‌ای هستند. در این تحقیق واژه‌ای مانند مخمور از کتاب محمدعلی محمد نمونه‌ای از واژه‌های غیرهسته‌ای و واژه‌ای مانند مشکى در کتاب زویا پیرزاد واژه‌ای هسته‌ای در نظر گرفته شده است.

تحقیق حاضر با استناد به نظرات وی در این مورد به تحلیل واژگان و استعاره با در نظر گرفتن سنت ارسطویی به عنوان یک آرایه آمارها به شرح جدول زیر از نظراتان می‌گذرد.

### تحلیل جدول (۱)

اعداد موجود در جدول (۱) نشان دهنده‌ی تعداد واژگان غیرهسته‌ای در رمان‌های نویسندگان زن ۳۴ در مقابل ۲۳ از نویسندگان مرد و تعداد استعاره از نویسندگان زن ۸ در مقابل ۳ از طرف نویسندگان مرد است که از این شمارش نتیجه می‌شود:

الف) نویسندگان زن نسبت به نویسندگان مرد بیشتر از واژگان غیرهسته‌ای استفاده کرده‌اند.



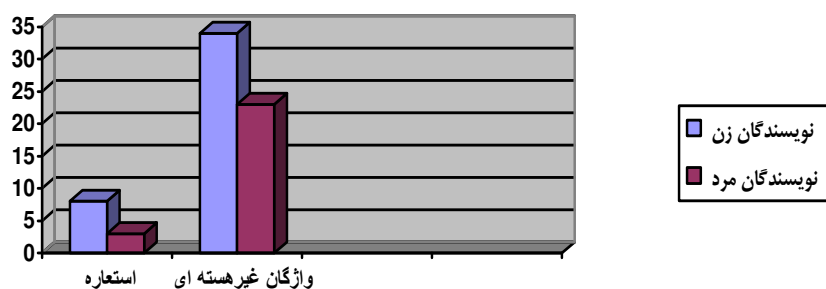
مطالعه تفاوت‌های نوشتاری در آثار نویسندگان معاصر ایرانی با توجه به متغیر جنسیت ۳۱

ب) نویسندگان زن نسبت به نویسندگان مرد از استعاره بیشتر بهره برده‌اند.

جدول (۱) تعداد واژگان غیرهسته‌ای و استعاره در رمان‌های مورد مطالعه

| استعاره | واژگان غیرهسته‌ای | واژگان غیرهسته‌ای و استعاره |
|---------|-------------------|-----------------------------|
|         |                   | انواع رمان                  |
| ۳       | ۲۳                | رمان نویسندگان مرد          |
| ۸       | ۳۴                | رمان نویسندگان زن           |

نمودار (۱) واژگان غیرهسته‌ای و استعاره



جمع واژگان غیرهسته‌ای و استعاره به صورت زیر است:

| استعاره | واژگان غیرهسته‌ای |                        |
|---------|-------------------|------------------------|
| ۳       | ۲۳                | رمان‌های نویسندگان مرد |
| ۸       | ۳۴                | رمان‌های نویسندگان زن  |
| ۱۱      | ۵۷                | جمع                    |

در بخش نحو جمله‌های معلوم در مقابل مجهول، جمله‌های کوتاه در مقابل بلند و نقل قول مستقیم در مقابل غیرمستقیم مورد ارزیابی قرار گرفت. یارمحمدی (همان) در این زمینه معتقد است که اکثر متون سیاسی و اجتماعی از هنجارگریزی نحوی و یا از گشتارهای مجهول‌ساز برای حذف کنشگر به همراه استفاده از ویژگی فریب بهره می‌برند و ایدئولوژی خاصی را در پشت متن می‌توان جستجو کرد.

نظریه پردازان رویکرد تحلیل گفتمان انتقادی معتقدند باز نمودن اندیشه در قالب سخن به دو شیوه گفتار مستقیم و غیرمستقیم بیشترین کاربرد را دارد و وجه آزادی در جمله‌های غیرمستقیم بیشتر از جمله‌های مستقیم است و بسامد استفاده از این ساخت‌ها به ترتیب نشان‌دهنده‌ی ابهام و صراحت است. نویسنده از این ساخت دستوری به عنوان یک ابزار شناختی جهت القاء نگرش مورد نظر در چارچوب گفتمان‌گزینش و تولید می‌نماید، متغیر دیگر در رابطه با قاطعیت طول جمله می‌باشد، جمله‌های کوتاه‌تر از صراحت و قاطعیت بالاتری برخوردارند. لذا هایمن<sup>۱۷</sup> (۱۹۹۴) معتقد است که پرگویی نشانه‌ی پنهان کاری است و پنهان کاری بنا به هر دلیل که باشد برخاسته از بیگانه نگه‌داشتن شنونده و یا خواننده از حقایق است. پس می‌توان گفت که جمله‌ها و متون طولانی نسبت به جمله‌های کوتاه از ابهام بیشتری برخوردارند.

## تحلیل جدول (۲)

اعداد موجود در جدول ۲ نشان می‌دهد که:

(الف) به طور کلی همه نویسندگان عمدتاً از جمله‌های معلوم استفاده می‌نمایند.

(ب) در صورت استفاده از جملات مجهول، نویسندگان زن بیشتر از نویسندگان مرد از این گونه جمله‌ها استفاده می‌نمایند.

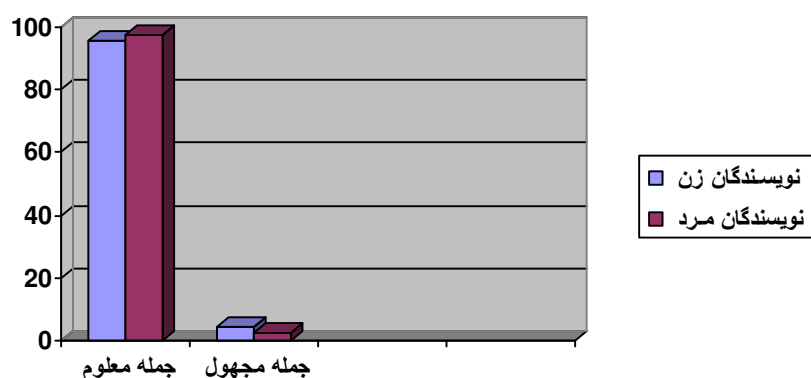
نمونه جملات: جمله «یک لحظه همه چیز جلوی چشم سیاه شد.» از کتاب حسن کریم‌پور به عنوان جمله‌ای مجهول و جمله «خواستم با همان کارد به او حمله کنم که...» از همان کتاب به عنوان جمله‌ای معلوم در نظر گرفته شده است.

جدول (۲) ساختار معلوم در مقابل مجهول

| مجهول    | معلوم     | ساختار معلوم در مقابل مجهول |
|----------|-----------|-----------------------------|
|          |           | انواع رمان                  |
| ۲/۶ درصد | ۹۷/۴ درصد | رمان نویسندگان مرد          |
| ۴/۴ درصد | ۹۵/۶ درصد | رمان نویسندگان زن           |

مطالعه تفاوت‌های نوشتاری در آثار نویسندگان معاصر ایرانی با توجه به متغیر جنسیت ۳۳

نمودار (۲) درصد ساختار معلوم در مقابل مجهول



### تحلیل جدول (۳)

الف) نویسندگان زن و مرد بیشتر از ساختار نقل قول مستقیم بهره برده‌اند.  
 ب) درصد کاربرد نقل قول غیرمستقیم در نویسندگان زن بیشتر از نویسندگان مرد بوده است.

جدول (۳) ساختار نقل قول مستقیم و غیرمستقیم

| نقل قول غیرمستقیم | نقل قول مستقیم | ساختار نقل قول مستقیم و غیرمستقیم<br>انواع رمان |
|-------------------|----------------|---|
| ۳/۷ درصد          | ۹۶/۳ درصد      | رمان نویسندگان مرد                              |
| ۱۶/۴ درصد         | ۸۳/۶ درصد      | رمان نویسندگان زن                               |

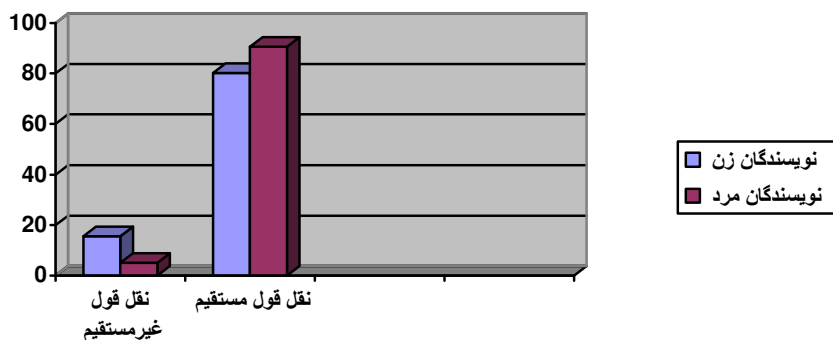
به عنوان مثال جمله‌ی زیر از کتاب م- مؤدب‌پور دارای ساختار نقل قول غیرمستقیم است:

«اولش یه خورده انکار کرد ولی بعدش گفت که آره، هروئینی شدم!»

اما جمله‌ی زیر از همان کتاب یک نقل قول مستقیم در نظر گرفته شده است:

«البته اولش، مثل تو این فیلم‌ها تصمیم گرفتم که ترکش بدم و ....»

نمودار (۳) درصد ساختار نقل قول مستقیم در مقابل غیرمستقیم



#### تحلیل جدول (۴)

در این تحقیق جمله‌ی کوتاه به جمله‌ای اطلاق می‌شود که در آن تنها یک فعل به کار رفته باشد. هرگاه در جمله‌ای بیش از یک فعل استفاده شده باشد، آن را جمله بلند می‌خوانیم. به طور مثال جمله‌ی زیر از کتاب زویا پیرزاد به عنوان یک جمله‌ی بلند در نظر گرفته شده است:

«بخاری ماشین را روشن کرد پالتوی مشکی پوشیده بود و یکی از روسری‌های سفید نخی سرش بود که چندتایی ازشان داشت و هرروز یکی را سر می‌کرد.»

جمله‌ی زیر که برگرفته از کتاب حسن کریم‌پور است، به عنوان یک جمله‌ی ساده در نظر گرفته‌ایم:

«یک لحظه همه چیز جلوی چشم سیاه شد.»

الف) نویسندگان زن و مرد در کل از جمله‌های بلند بیشتر از جمله‌های کوتاه استفاده نموده‌اند.

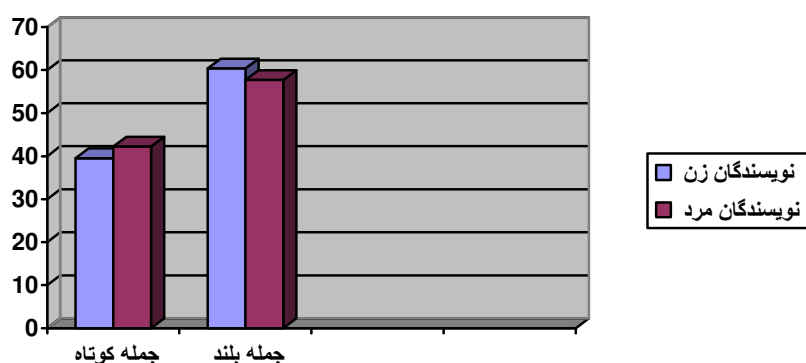
ب) درصد کاربرد جمله‌های بلند در زنان بیش از مردان بوده است و درصد کاربرد جمله‌های کوتاه در

زنان کم‌تر از مردان بوده است.

جدول (۴) ساخت جمله‌های کوتاه در مقابل بلند

| جمله‌ی بلند | جمله‌ی کوتاه | ساخت جمله‌های کوتاه در مقابل بلند |
|-------------|--------------|-----------------------------------|
|             |              | انواع رمان                        |
| ۵۷/۷ درصد   | ۴۲/۳ درصد    | رمان نویسندگان مرد                |
| ۶۰/۴ درصد   | ۳۹/۶ درصد    | رمان نویسندگان زن                 |

نمودار (۴) درصد ساخت جمله‌های کوتاه در مقابل بلند



### نتیجه‌گیری

تحقیق حاضر با تکیه بر دیدگاه زبان‌شناسی تحلیل گفتمان انتقادی به تجزیه و تحلیل کتاب‌های مورد مطالعه پرداخت و فرضیه‌های تحقیق تأیید شدند. یعنی مشخص گردید در آثار نویسندگان مورد مطالعه‌ی مرد و زن معاصر ایرانی از لحاظ واژگان تفاوت وجود دارد. بدین معنی که درصد کاربرد واژگان غیرهسته‌ای و نیز استعاره در بین نویسندگان زن بیش از نویسندگان مرد معاصر است. هم‌چنین تفاوت‌های نحوی نیز در نوشتار نویسندگان مورد مطالعه معاصر مرد و زن در ایران دیده می‌شوند. به طور مثال می‌توان به کاربرد بسیار کم استعاره در رمان‌های مورد مطالعه اشاره کرد که می‌توان نتیجه گرفت که به دلیل کاربرد سبک ساده‌ی نوشتاری در رمان‌های معاصر، استفاده از استعاره به سبک سنتی بسیار نادر است. نویسندگان زن بیش از نویسندگان مرد تمایل دارند از واژگان غیرهسته‌ای استفاده نمایند. این امر می‌تواند نشانه‌ای از پنهان کاری توسط زنان و صراحت احساس راحتی بیشتر برای بیان منظور توسط مردان باشد.

اگر چه هم مردان و هم زنان تمایل به استفاده از جملات بلند دارند، اما درصد استفاده افراد از این جملات متفاوت است. نویسندگان زن تمایل بیشتری دارند تا از جملات بلند استفاده نمایند و در مقابل درصد کاربرد جملات کوتاه توسط نویسندگان مرد بیش از نویسندگان زن است. استفاده از جملات بلند تا حدی می‌تواند نشانه‌ای از پرگویی و پنهان کاری باشد. تا حدی هم به لحاظ روان‌شناسی می‌تواند نشان‌گر حالت توصیف و توضیح داشته باشد و نه دستور و امر. جملات کوتاه از حالت قطعیت و صراحت بیشتری

۳۶ زن در فرهنگ و هنر (پژوهش زنان)، دوره ۱، شماره ۳، بهار ۱۳۸۹

برخوردار است و به لحاظ روان‌شناختی می‌توان گفت که به جملات امری نزدیک‌ترند. نویسندگان زن از ساختار دستوری و واژگانی بهره برده‌اند که دارای ابهام و عدم قطعیت و صراحت است و لایه‌های پنهان معنی را باید در آن‌ها جستجو کرد.

در آثار مورد بررسی تمایل عام نویسندگان به استفاده از جملات معلوم است در مقابل جملات مجهول. یکی از ویژگی‌های زبان فارسی این است که عمدتاً دارای جملات معلوم است. استفاده از جملات مجهول در کل نظام زبان فارسی کم است. در این‌جا هم نویسندگان زن و مرد از همین اصل کلی پیروی کرده‌اند. اما باز هم درصد استفاده آنان از جملات معلوم و مجهول تا حدی متفاوت است. زنان تمایل بیشتری دارند تا از جملات مجهول استفاده نمایند. این امر می‌تواند دلیلی بر محافظه‌کارتر بودن زنان و داشتن روحیه احتیاط بیشتر باشد.

تمایل کلیه‌ی نویسندگان در بیان سخنان دیگران این است که مستقیماً آن‌چه که ذکر شده است را بیان نمایند. اما باز هم در این‌جا نویسندگان مرد در استفاده از نقل مستقیم و ذکر جملات سایر افراد آزادانه‌تر عمل می‌نمایند. بر عکس نویسندگان زن با احتیاط بیشتری سخن دیگران را بازگو می‌نمایند.

می‌توان نتیجه گرفت که فقط توصیف کدهای زبان‌شناختی و معانی زبانی موجب تولید و فهم متون نیستند بلکه بر اساس دیدگاه تحلیل گفتمان انتقادی عامل جنسیت هم‌چون عامل ایدئولوژیکی و طرز نگرش و یا بینش اشخاص (نویسندگان) و صاحبان افکار پنهان در آن سوی متون از عوامل مؤثر در تولید و درک متون هستند.

## منابع

- اسدی، زهرا (۱۳۸۳) آن سوی خیال، تهران: شادان.
- اصلائی، محمد (۱۳۸۳) «تعامل زبان و جنسیت و کارکردهای آن در ادبیات داستانی معاصر فارسی»، پایان‌نامه‌ی کارشناسی ارشد، دانشگاه پیام‌نور.
- اعتمادی، و (۱۳۸۲) کفش‌های غمگین عشق، تهران: شادان.
- آقا گل‌زاده، فردوس (۱۳۸۱) «مقایسه و نقد روی‌کردهای تحلیل کلام و تحلیل کلام انتقادی در تولید و درک»، متن رساله‌ی دکتری، تهران: دانشگاه تربیت‌مدرس.
- فرکلاف، نورمن (۱۳۷۹) «تحلیل انتقادی گفتمان»، مترجم شعبان‌علی بهرام‌پور و همکاران، تهران: مرکز مطالعات و تحقیقات رسانه‌ها.

مطالعه تفاوت‌های نوشتاری در آثار نویسندگان معاصر ایرانی با توجه به متغیر جنسیت ۳۷

- پیرزاد، زویا (۱۳۸۳) عادت می‌کنیم، تهران: مرکز.
- جابر، مریم (۱۳۸۰) «بررسی مبالغه و رابطه‌ی آن با جنسیت در نوشتار فارسی و انگلیسی»، پایان‌نامه‌ی کارشناسی‌ارشد، دانشگاه علامه طباطبایی.
- حمزه‌لو، تکین (۱۳۸۴) دختری در مه، تهران: شادان.
- دبیرمقدم، محمد (۱۳۶۹) زبان‌شناسی نظری، پیدایش و تکوین دستور زایشی، تهران: انتشارات سخن.
- دمالی‌امیری، مهدی (۱۳۸۰) «تبلور ایدئولوژی و قدرت در کلام، تحلیل انتقادی اخبار رسانه‌ای»، پایان‌نامه‌ی کارشناسی‌ارشد، پژوهشگاه علوم انسانی.
- صفوی، نازی (۱۳۸۲) برزخ اما بهشت، تهران: ققنوس.
- علوی، فاطمه (۱۳۸۱) «بررسی دیدگاه روایی در سه داستان صادق چوبک، روی‌کرد تحلیل کلام انتقادی»، پایان‌نامه‌ی کارشناسی‌ارشد، دانشگاه تهران.
- فانی، زهرا (۱۳۸۳) در جستجوی ترجمه‌ی زنانه‌ی متون، تهران: دانشگاه علامه طباطبایی.
- کربلایی‌لو، مرتضی (۱۳۸۳) خیالات، تهران: ققنوس.
- کریم‌پور، حسن (۱۳۸۳) باغ مارشال، تهران: اوحدی.
- محمدعلی، محمد (۱۳۸۲) قصه‌ی تهمینه، تهران: افق.
- مؤدب‌پور، م (۱۳۸۱) یلدا، تهران: شادان.
- وفی، فریبا (۱۳۸۲) پرنده‌ی من، تهران: مرکز.
- یار محمدی، لصف ا... (۱۳۸۳) گفت‌مان‌شناسی رایج و انتقادی، تهران: هرمس.

- Brown, G and Yule G.** (1993) *Discourse Analysis* Cambridge : Cambridge university Press.
- Coupland, N. & Jaworki, A.** (1999) *The Discourse Reader*, London:Rutledge.
- Fairclough, N.** (1985) *Critical and Descriptive Goals in Discourse Analysis* , Jprag .
- Focault, M.** (1981) *The order of Discourse, untying the text*,(eds.).
- Fowler, R.** (1993) *language in use: Discourse & Ideology in press*, New York: Rutledge.
- Harris, z.** (1952) « *Discourse Analysis*», *Language*,28.
- Hayman, J.** (1994) *Iconicity* In: R . E . Asher ( eds ) London :pergamon Press.
- Hodge, R.** (1994) *Sociosemantics*, Cambridge: Cambridge Polity Press.
- Malmkyar, K.** (2000) *The Linguistic Encyclopedia*, New York: Rutledge.
- Penny Cook, A.**(1994) *Incommensurable Discourse? Applied Linguistics*, vol. 5, No.2.